

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جزء نوزدهم

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا
 الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَ
 عَتَوْا عُتْوًا كَبِيرًا ﴿٢١﴾

و کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند (و رستاخیز را انکار می کنند) گفتند: «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند و یا پروردگاران را با چشم خود نمی بینیم؟!» آنها درباره خود تکبر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند!

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَ
 يَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا ﴿٢٢﴾

آنها به آرزوی خود می‌رسند،) اما روزی که فرشتگان را می‌بینند، روز بشارت برای مجرمان نخواهد بود (بلکه روز مجازات و کیفر آنان است)! و می‌گویند: «ما را امان دهید، ما را معاف دارید!» (اما سودی ندارد!)

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنَّ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً
مَّنْثُورًا ﴿٢٣﴾

و ما به سراغ اعمالی که انجام داده اند می رویم، و همه را همچون ذرات غبار پراکنده
در هوا قرار می دهیم!

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ

مَقِيلًا ﴿٢٤﴾

بهشتیان در آن روز قرارگاهشان از همه بهتر، و استراحتگاهشان نیکوتر است!

وَيَوْمَ تَشْقَى السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِلَ الْمَلَائِكَةُ
تَنْزِيلًا ﴿٢٥﴾

و (بخاطر آورا) روزی را که آسمان با ابرها شکافته می شود، و فرشتگان نازل می گردند.

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى
الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿٢٦﴾

حکومت در آن روز از آن خداوند رحمان است؛ و آن روز، روز سختی برای کافران خواهد بود!

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ
مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿٢٧﴾

و (به خاطر آورا) روزی را که ستمکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: «ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم!

يَا وَيْلَتَا لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٨﴾

ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم!

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ
الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ﴿٢٩﴾

او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود! و
شیطان همیشه خوارکننده انسان بوده است!

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ
مَهْجُورًا ﴿٣٠﴾

و پیامبر عرضه داشت: «پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند».

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ
وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ﴿٣١﴾

(آری،) این گونه برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان قرار دادیم؛ اما (برای تو) همین
بس که پروردگارت هادی و یاور (تو) باشد!

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً
 كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً ﴿۳۲﴾

و کافران گفتند: «چرا قرآن یکجا براو نازل نمی شود؟!» این بخاطر آن است که قلب تو را
 بوسیله آن محکم داریم، و (از این رو) آن را به تدریج برتو خواندیم.

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ
تَفْسِيرًا ﴿۳۳﴾

آنان هیچ مثلی برای تو نمی آورند مگر اینکه ما حق را برای تو می آوریم، و تفسیری بهتر
(و پاسخی دندان شکن که در برابر آن ناتوان شوند)!

الَّذِينَ يُحْشِرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ سُوءُ
مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٣٤﴾

(تو گمراه نیستی،) آنان که بر صورت‌هایشان بسوی جهنم محشور می‌شوند،
بدترین محل را دارند و گمراه‌ترین افرادند!

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ
هَارُونَ وَزِيْرًا ﴿٣٥﴾

و ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم؛ و برادرش هارون را یاور او قرار دادیم؛

فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا
فَدَمَّرْنَاَهُمْ تَدْمِيرًا ﴿٣٦﴾

و گفتیم: «به سوی این قوم که آیات ما را تکذیب کردند بروید!» (اما آن مردم به مخالفت برخاستند) و ما به شدت آنان را درهم کوبیدیم!

وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا هُمْ
 لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣٧﴾

و قوم نوح را هنگامی که رسولان (ما) را تکذیب کردند غرق نمودیم، و آنان را درس عبرتی برای مردم قرار دادیم؛ و برای ستمگران عذاب دردناکی فراهم ساخته ایم!

وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ
كَثِيرًا ﴿٣٨﴾

(همچنین) قوم عاد و ثمود و اصحاب الرّس [گروهی که درختان صنوبر را
می پرستیدند] و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند، هلاک کردیم!

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ﴿٣٩﴾

و برای هریک از آنها مثلها زدیم؛ و (چون سودی نداد،) همگی را نابود کردیم!

وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مِنْ السَّمَاءِ عَلَيْهَا مَطَرًا سَوِيًّا فَلَمْ
يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَتَّخِذُونَ حَسَابًا ﴿٤٠﴾

آنها [مشرکان مکه] از کنار شهری که باران شرّ [بارانی از سنگهای آسمانی] بر آن
باریده بود [دیار قوم لوط] گذشتند؛ آیا آن را نمی دیدند؟! (آری، می دیدند) ولی به
رستاخیز ایمان نداشتند!

وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا هَذَا الَّذِي
بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ﴿٤١﴾

و هنگامی که تو را می بینند، تنها به باد استهزایت می گیرند (و می گویند): آیا
این همان کسی است که خدا او را بعنوان پیامبر برانگیخته است؟!

إِنَّ كَادَ لِيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَنَّ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ
 يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾

اگرما برپرستش خدایانمان استقامت نمی کردیم، بیم آن می رفت که ما را گمراه سازد!
 اما هنگامی که عذاب الهی را ببینند، بزودی می فهمند چه کسی گمراهتر بوده است!

أَرَأَيْتَ مَنِ اخْتَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ
وَكِيلًا ﴿٤٣﴾

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! آیا تو می توانی او را
هدایت کنی (یا به دفاع از او برخیزی)؟!!

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ
إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٤﴾

آیا گمان می بری بیشتر آنان می شنوند یا می فهمند؟! آنان فقط همچون چهارپایانند،
بلکه گمراهترند!

أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ
سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ﴿٤٥﴾

آیا ندیدی چگونه پروردگارت سایه را گسترده ساخت؟! و اگر می خواست آن را ساکن
قرار می داد؛ سپس خورشید را بر وجود آن دلیل قرار دادیم!

ثُمَّ قَبْضَنَا إِلَىٰ قَبْضٍ آيسِرًا ﴿٤٦﴾

سپس آن را آهسته جمع می‌کنیم (و نظام سایه و آفتاب را حاکم می‌سازیم)!

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَ
جَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٧﴾

او کسی است که شب را برای شما لباس قرار داد، و خواب را مایه استراحت، و روز را
وسیله حرکت و حیات!

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا
مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٤١﴾

او کسی است که بادهای را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی
پاک‌کننده نازل کردیم...

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيهِ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْعَامًا كَثِيرًا ﴿٤٩﴾

تا بوسیله آن، سرزمین مرده‌ای را زنده کنیم؛ و آن را به مخلوقاتی که آفریده‌ایم
- چهارپایان و انسانهای بسیار- می‌نوشانیم.

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا هُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِالَّا
كُفُورًا ﴿٥٠﴾

ما این آیات را بصورتهای گوناگون برای آنان بیان کردیم تا متذکر شوند، ولی بیشتر مردم از هرکاری جز انکار و کفر ابا دارند.

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ﴿٥١﴾

و اگر می خواستیم، در هر شهر و دیاری بیم دهنده‌ای برمی‌انگیزیم (ولی این کار لزومی نداشت).



فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٢﴾

بنابر این از کافران اطاعت مکن، و بوسیله آن [قرآن] با آنان جهاد بزرگی بنما!

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ
أَجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخاً وَحِجْراً مَحْجُوراً ﴿٥٣﴾

او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرار داد؛ یکی گوارا و شیرین، و دیگر شور و تلخ؛ و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند (گویی هریک به دیگری می گوید:) دور باش و نزدیک نیا!

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَ
كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾

او کسی است که از آب، انسانی را آفرید؛ سپس او را نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)؛ و پروردگار تو همواره توانا بوده است.

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَ
كَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيْرًا ﴿٥٥﴾

آنان جز خدا چیزهایی را می پرستند که نه به آنان سودی می رساند و نه زیانی؛ و کافران همیشه در برابر پروردگارشان (در طریق کفر) پشتیبان یکدیگرند.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٥٦﴾

(ای پیامبر!) ما تو را جز بعنوان بشارت دهنده و انداز کننده نفرستادیم!

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ
إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٥٧﴾

بگو: «من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ گونه پاداشی از شما نمی طلبم؛ مگر کسی که بخواهد راهی بسوی پروردگارش برگزیند (این پاداش من است.)»

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ
كَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبيراً ﴿٥١﴾

و توکل کن بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد؛ و تسبیح و حمد او را بجا آور؛ و همین بس
که او از گناهان بندگانش آگاه است!

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾

همان (خدایی) که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو وجود دارد، در شش روز [شش دوران] آفرید؛ سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت، او خداوند) رحمان است؛ از او بخواه که از همه چیز آگاه است!

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَءِ
 نَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ﴿٦٠﴾

و هنگامی که به آنان گفته شود: «برای خداوند رحمان سجده کنید!» می گویند:
 «رحمان چیست؟! (ما اصلاً رحمان را نمی شناسیم!) آیا برای چیزی سجده کنیم که تو
 به ما دستور می دهی؟!» (این سخن را می گویند) و بر نفرتشان افزوده می شود!

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا
سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ﴿٦١﴾

جاودان و پربركت است آن (خدایی) كه در آسمان منزلگاه‌هائی برای ستارگان قرار داد؛
و در میان آن، چراغ روشن و ماه تابانی آفرید!

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ
يَذْكُرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٢﴾

و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به عکس).

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا
خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿٦٣﴾

بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می گویند (و با بی اعتنائی و بزرگواری می گذرند)؛

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿٦٤﴾

کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می کنند؛

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ
عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾

و کسانی که می گویند: «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش
سخت و پردوام است!

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾

مسلمانان (جهنم)، بد جایگاه و بد محل اقامتی است!

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ
ذَلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾

و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ
النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ
يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾

و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمی کشند؛ و زنا نمی کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید!

يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾

عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند!

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ
يُبدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
رَحِيمًا ﴿٧٠﴾

مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان
آنان را به حسنات مبدل می‌کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾

و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوی خدا بازگشت می کند (و پاداش خود را از او می گیرد).

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا

كِرَامًا ﴿٧٢﴾

و کسانی که شهادت به باطل نمی دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می گذرند.

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يُخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾

و کسانی که هرگاه آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، کرو کور روی آن نمی افتند.

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا
قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾

و کسانی که می گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما
قرارده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!»

خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٥﴾

در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه قرارگاه و محلّ اقامت خوبی!

أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا
تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٦﴾

(آری،) آنها هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیباییشان به آنان پاداش داده می شود؛ و در آن، با تحیت و سلام روبه رو می شوند.

قُلْ مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ
 فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾

بگو: «پروردگرم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد؛ شما (آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید، و (این عمل) دامن شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد!»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه شعراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان



طسم ﴿۱﴾

طسم

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾

این آیات کتاب روشن‌گراست.

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾

گویی می خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی بخاطر اینکه آنها ایمان
نمی آورند!

إِنْ نَشَاءُ نُنزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ
لَهَا خَاضِعِينَ ﴿٤﴾

اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردنهایشان در برابر آن
خاضع گردد!

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا
عَنْهُ مُعْرِضِينَ ﴿٥﴾

و هیچ ذکرتازه‌ای از سوی خداوند مهربان برای آنها نمی‌آید مگر اینکه از آن روی گردان
می‌شوند!

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَاتِهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ
يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٦﴾

آنان تکذیب کردند؛ اما بزودی اخبار (کیفر) آنچه را استهزا می کردند به آنان می رسد!

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ

كَرِيمٍ ﴿٧﴾

آیا آنان به زمین نگاه نکردند که چقدر از انواع گیاهان پرارزش در آن رویاندیم؟!

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾

در این، نشانه روشنی است (بروجود خدا)؛ ولی بیشترشان هرگز مؤمن نبوده‌اند!

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٩﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است!

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ إِنَّا لَأَنتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠﴾

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمگر
برو...

قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلا يَتَّقُونَ ﴿۱۱﴾

قوم فرعون، آیا آنان (از مخالفت فرمان پروردگار) پرهیز نمی کنند؟!

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿١٢﴾

(موسی) عرض کرد: «پروردگارا! از آن بیم دارم که مرا تکذیب کنند،

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ

هَارُونَ ﴿١٣﴾

و سینه ام تنگ شود، و زبانم بقدر کافی گویا نیست؛ (برادرم) هارون را نیز رسالت ده (تا)
مرا یاری کند!

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿١٤﴾

و آنان (به اعتقاد خودشان) برگردن من گناهی دارند؛ می ترسم مرا بکشند (و این رسالت به پایان نرسد)!

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ ﴿١٥﴾

فرمود: «چنین نیست، (آنان کاری نمی‌توانند انجام دهند)! شما هر دو با آیات ما (برای هدایتشان) بروید؛ ما با شما هستیم و (سخنانتان را) می‌شنویم!

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾

به سراغ فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده پروردگار جهانیان هستیم؛

أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٧﴾

بنی اسرائیل را با ما بفرست! « (آنها به سراغ فرعون آمدند)؛

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ

سِنِينَ ﴿١٨﴾

(فرعون) گفت: «آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم، و سالهایی از زندگی را در میان ما نبودی؟!»

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ

الْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾

و سرانجام، آن کارت را (که نمی بایست انجام دهی) انجام دادی (و یک نفر از ما را کشتی)، و تو از ناسپاسانی!

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٢٠﴾

(موسی) گفت: «من آن کار را انجام دادم در حالی که از بی خبران بودم!

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ
جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾

پس هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم؛ و پروردگارم به من حکمت و دانش بخشید،
و مرا از پیامبران قرار داد!

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٢٢﴾

آیا این منتی است که تو بر من می‌گذاری که بنی اسرائیل را برده خود ساخته‌ای؟!»

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۲۳﴾

فرعون گفت: «پروردگار عالمیان چیست؟!»

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنُومَ

مُوقِنِينَ ﴿٢٤﴾

(موسی) گفت: «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، اگر اهل یقین هستید!».

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمِعُونَ ﴿٢٥﴾

(فرعون) به اطرافیانش گفت: «آیا نمی شنوید (این مرد چه می گوید)؟!»

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾

(موسی) گفت: «او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!»

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿٢٧﴾

(فرعون) گفت: «پیامبری که بسوی شما فرستاده شده مسلماً دیوانه است!»

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ
تَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾

(موسی) گفت: «او پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن دو است می باشد، اگر شما
عقل و اندیشه خود را به کار می گرفتید!»

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتُ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنْ
الْمَسْجُونِينَ ﴿٢٩﴾

(فرعون خشمگین شد و) گفت: «اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان قرار
خواهم داد!»

قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾

(موسی) گفت: «حتی اگر نشانه آشکاری برای تو بیاورم (باز ایمان نمی آوری)؟!»

قَالَ فَاتِّبِعْ بِهِ إِنَّ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣١﴾

گفت: «اگر راست می گویی آن را بیاور!»

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿۳۲﴾

در این هنگام موسی عصای خود را افکند، و ناگهان مار عظیم و آشکاری شد؛

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ ﴿۳۳﴾

و دست خود را (در گریبان فرو برد و) بیرون آورد، و در برابر بینندگان سفید و روشن بود.

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿۳۴﴾

(فرعون) به گروهی که اطراف او بودند گفت: «این ساحر آگاه و ماهری است!

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا

تَأْمُرُونَ ﴿٣٥﴾

او می خواهد با سحرش شما را از سرزمینتان بیرون کند! شما چه نظر می دهید؟»

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٣٦﴾

گفتند: «او و برادرش را مهلت ده؛ و مأموران را برای بسیج به تمام شهرها اعزام کن،

يَأْتُونَكَ بِكُلِّ سِحْرٍ عَلِيمٍ ﴿٣٧﴾

تا هر ساحر ماهر و دانایی را نزد تو آورند!

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٣٨﴾

سرانجام ساحران برای وعده‌گاه روز معینی جمع‌آوری شدند.

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

و به مردم گفته شد: «آیا شما نیز (در این صحنه) اجتماع می کنید...»

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿٤٠﴾

تا اگر ساحران پیروز شوند، از آنان پیروی کنیم؟!»

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لَنَأْجُرُّكَ إِنَّا
كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿٤١﴾

هنگامی که ساحران آمدند، به فرعون گفتند: «آیا اگر ما پیروز شویم، پاداش مهمی خواهیم داشت؟»

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٢﴾

گفت: «(آری،) و در آن صورت شما از مقربان خواهید بود!»

قَالَ لَهُمْ مُوسَى الْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٤٣﴾

(روز موعود فرا رسید و همگی جمع شدند؛) موسی به ساحران گفت: «آنچه را می خواهید بیفکنید، بیفکنید!»

فَأَلْقُوا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا
لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: «به عزت فرعون، ما قطعاً پیروزیم!»

فَالْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٤٥﴾

سپس موسی عصایش را افکند، ناگهان تمام وسایل دروغین آنها را بلعید!

فَالْقِيَّ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿٤٦﴾

فوراً همه ساحران به سجده افتادند.

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾

گفتند: «ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم،

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿٤٨﴾

پروردگار موسی و هارون!

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي
 عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَا أَقْطَعَنَّ أَيْدِيكُمْ
 وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَا أُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٩﴾

(فرعون) گفت: «آیا پیش از اینکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟! مسلماً او
 بزرگ و استاد شماست که به شما سحر آموخته (و این یک توطئه است)! اما بزودی
 خواهید دانست! دستها و پاهاى شما را بعکس یکدیگر قطع می‌کنم، و همه شما را به
 دار می‌آویزم!»

قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿٥٠﴾

گفتند: «مهم نیست، (هرکاری از دستت ساخته است بکن)! ما بسوی پروردگارمان
بازمی‌گردیم!

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ

الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾

ما امیدواریم که پروردگارمان خطاهای ما را ببخشد، چرا که ما نخستین
ایمان آورندگان بودیم!

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِيٰ إِنَّكُمْ مِتَّبِعُونَ ﴿٥٢﴾

و به موسی وحی کردیم که شبانه بندگانم را (از مصر) کوچ ده، زیرا شما مورد تعقیب هستید!»

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٥٣﴾

فرعون (از این ماجرا آگاه شد و) مأموران بسیج نیرو را به شهرها فرستاد،

إِنَّ هُوَ لَشَرِّ ذَمَّةٍ قَلِيلُونَ ﴿٥٤﴾

(و گفت:) اینها مسلماً گروهی اندکند؛

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ ﴿٥٥﴾

و اینها ما را به خشم آورده اند؛

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ ﴿٥٦﴾

و ما همگی آماده پیکاریم!

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾

(سرانجام فرعونیان مغلوب شدند،) و ما آنها را از باغها و چشمه‌ها بیرون راندیم،

وَ كُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥١﴾

و از گنجها و قصرهای مجلل!

كَذٰلِكَ وَاَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾

(آری،) اینچنین کردیم! و بنی اسرائیل را وارث آنها ساختیم!

فَاتَّبِعُوهُمْ مَشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾

آنان به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند، و به هنگام طلوع آفتاب به آنها رسیدند.

فَلَمَّا تَرَأَى الْجُمُعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا
لَمُدْرِكُونَ ﴿٦١﴾

هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!»

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾

(موسی) گفت: «چنین نیست! یقیناً پروردگارم با من است، بزودی مرا هدایت خواهد کرد!»

أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ
فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾

و بدنبال آن به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن!» (عصایش را به دریا زد،) و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود!

وَأَزْلِفَنَّا ثَمَّ الْأَخْرِينَ ﴿٦٤﴾

و در آنجا دیگران [لشکر فرعون] را نیز (به دریا) نزدیک ساختیم!

وَأُنجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾

و موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم!

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٦٦﴾

سپس دیگران را غرق کردیم!

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾

در این جریان، نشانه روشنی است ولی بیشترشان ایمان نیاوردند! (چرا که طالب حق نبودند)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾

و پروردگارت شکست ناپذیر و مهربان است!

وَآتَلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾

و بر آنان خبر ابراهیم را بخوان،

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿۷۰﴾

هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می پرستید؟!»

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عَاكِفِينَ ﴿٧١﴾

گفتند: «بتهایی را می پرستیم، و همه روز ملازم عبادت آنهایم.»

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾

گفت: «آیا هنگامی که آنها را می خوانید صدای شما را می شنوند؟!»

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يُضُرُّونَ ﴿٧٣﴾

یا سود و زیانی به شما می‌رسانند؟!»

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذِبًا يُفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾

گفتند: «ما فقط نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کنند.»

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾

گفت: «آیا دیدید (این) چیزهایی را که پیوسته پرستش می کردید...»

أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾

شما و پدران پیشین شما،

فَاِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّيَ اِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۷۷﴾

همه آنها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار عالمیان!

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾

همان کسی که مرا آفرید، و پیوسته راهنمایم می کند،

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾

و کسی که مرا غذا می دهد و سیراب می نماید،

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿١٠﴾

و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می دهد،

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾

و کسی که مرا می میراند و سپس زنده می کند،

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿٨٢﴾

و کسی که امید دارم گناهم را در روز جزا ببخشد!

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿١٢﴾

پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن!

وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٤﴾

و برای من در میان اُمتهای آینده، زبان صدق (و ذکر خیری) قرار ده!

وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿١٥﴾

و مرا وارثان بهشت پر نعمت گردان!

وَاعْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ ﴿١٦﴾

و پدرم [عمویم] را ببامرز، که او از گمراهان بود!

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾

و در آن روز که مردم برانگیخته می شوند، مرا شرمنده و رسوا مکن!

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿١٨٨﴾

در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی بخشند،

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿١٩﴾

مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید!

وَأُزْلِفَتُ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾

(در آن روز، بهشت برای پرهیزکاران نزدیک می شود،

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ﴿٩١﴾

و دوزخ برای گمراهان آشکار می گردد،

وَقِيلَ لَهُمْ أَيُّنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٩٢﴾

و به آنان گفته می شود: «کجا هستید معبودانی که آنها را پرستش می کردید...»

مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٩٣﴾

معبودهایی غیر از خدا؟! آیا آنها شما را یاری می کنند، یا کسی به یاری آنها می آید؟!»

فَكُبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ﴿٩٤﴾

در آن هنگام همه آن معبودان با عابدان گمراه به دوزخ افکنده می شوند؛

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ﴿٩٥﴾

و همچنین همگی لشکریان ابلیس!

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾

آنها در آنجا در حالی که به خصمه برخاسته اند می گویند:

تَاللّٰهِ اِنَّ كُنَّا لَفِي ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿۹۷﴾

«به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم،»

إِذْ نَسَوَیْكُمْ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ﴿۹۸﴾

چون شما را با پروردگار عالمیان برابر می شمردیم!

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ﴿٩٩﴾

اما کسی جز مجرمان ما را گمراه نکرد!

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ﴿۱۰۰﴾

(افسوس که امروز) شفاعت‌کنندگانی برای ما وجود ندارد،

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴿١٠١﴾

و نه دوست گرم و پرمحبّتی!

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٢﴾

ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازگردیم و از مؤمنان باشیم!

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

در این ماجرا، نشانه (و عبرتی) است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند!

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است!

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٠٥﴾

قوم نوح رسولان را تکذیب کردند، قوم نوح رسولان را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٠٦﴾

هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٠٧﴾

مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۰۸)

تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٠٩﴾

من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان
است!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١١٠﴾

پس، تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

قَالُوا أَنْوْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَالُونَ ﴿۱۱۱﴾

گفتند: «آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بی ارزش از تو پیروی کرده‌اند؟!»

قَالَ وَمَا عَلَّمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۱۲﴾

(نوح) گفت: «من چه می دانم آنها چه کاری داشته اند!»

إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوَ تَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾

حساب آنها تنها با پروردگار من است اگر شما می فهمیدید!

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٤﴾

و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد.

إِنِّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١١٥﴾

من تنها اندازکننده‌ای آشکارم.»

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿١١٦﴾

گفتند: «ای نوح! اگر (از حرفهایت) دست برداری، سنگباران خواهی شد!»

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذِبُونَ ﴿۱۱۷﴾

گفت: «پروردگارا! قوم من، مرا تکذیب کردند!»

فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ

الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾

اکنون میان من و آنها جدایی بیفکن؛ و مرا و مؤمنانی را که با من هستند رهایی
بخش!

فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ﴿١١٩﴾

ما، او و کسانی را که با او بودند، در آن کشتی که پر (از انسان و انواع حیوانات) بود،
رهایی بخشیدیم!

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ ﴿١٢٠﴾

سپس بقیه را غرق کردیم!

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾

در این ماجرا نشانه روشنی است؛ اما بیشتر آنان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است.

كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾

قوم عاد (نیز) رسولان (خدا) را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾

هنگامی که برادرشان هود گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٥﴾

مسلماناً من برای شما پیامبری امین هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٢٦﴾

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ

الْعَالَمِينَ ﴿١٢٧﴾

من در برابر این دعوت، هیچ اجرو پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجرو پاداش من تنها بر پروردگار عالمیان است.

أَتَّبِنُونَ بِكُلِّ رِيحٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٢٨﴾

آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه‌ای از روی هوا و هوس می‌سازید؟!

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٢٩﴾

و قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم بنا می‌کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟!

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطْشَتُمْ جَبَّارِينَ ﴿۱۳۰﴾

و هنگامی که کسی را مجازات می‌کنید همچون جباران کیفر می‌دهید!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۳۱)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿۱۳۲﴾

و از (نافرمانی) خدایی پرهیزید که شما را به نعمتهایی که می دانید امداد کرده؛

أَمْ دَكُّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ﴿١٣٣﴾

شما را به چهارپایان و نیزپسران (لایق و برومند) امداد فرموده؛

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿۱۳۴﴾

همچنین به باغها و چشمه‌ها!

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣٥﴾

(اگر کفران کنید،) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم!

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنْ

الْوَاعِظِينَ ﴿١٣٦﴾

آنها [قوم عاد] گفتند: « برای ما تفاوت نمی کند، چه ما را انداز کنی یا نکنی؛ (بیهوده خود را خسته مکن)!

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾

این همان روش (و افسانه‌های) پیشینیان است!

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿۱۳۸﴾

و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾

آنان هود را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم؛ و در این، آیت و نشانه‌ای است (برای آگاهان)؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند!

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٤٠﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است!

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾

قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾

هنگامی که صالح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾

من برای شما پیامبری امین هستم!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۴۴)

پس تقوی الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ

الْعَالَمِينَ ﴿١٤٥﴾

من در برابر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار
عالمیان است!

أَتُرْكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ ﴿١٤٦﴾

آیا شما تصور می‌کنید همیشه در نهایت امنیتی در نعمتهایی که اینجاست می‌مانید،

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٧﴾

در این باغها و چشمه‌ها،

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعُهَا هَٰضِمٌ ﴿١٤١﴾

در این زراعتها و نخلهایی که میوه‌هایش شیرین و رسیده است؟!!

وَتَنْجِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ ﴿١٤٩﴾

و از کوهها خانه‌هایی می‌تراشید، و در آن به عیش و نوش می‌پردازید!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٥٠﴾

پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید!

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٥١﴾

و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید!

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾

همانها که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند!

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾

گفتند: «(ای صالح!) تو از افسون شدگانی (و عقل خود را از دست داده‌ای!)»

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنْ

الصَّادِقِينَ ﴿١٥٤﴾

تو فقط بشری همچون مائی؛ اگر راست می‌گویی آیت و نشانه‌ای بیاور!»

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿١٥٥﴾

گفت: «این ناقه‌ای است (که آیت الهی است) برای او سهمی (از آب قریه)، و برای شما سهم روز معینی است!

وَلَا تَمْسُوها بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥٦﴾

کمترین آزاری به آن نرسانید، که عذاب روزی بزرگ شما را فرا خواهد گرفت!

فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ ﴿١٥٧﴾

سرانجام بر آن (ناقه) حمله نموده آن را «پی» کردند؛ (و هلاک نمودند) سپس از کرده خود پشیمان شدند!

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٥١﴾

و عذاب الهی آنان را فرا گرفت؛ در این، آیت و نشانه‌ای است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن
نبودند!

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است!

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٦٠﴾

قوم لوط فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٦١﴾

هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٢﴾

من برای شما پیامبری امین هستم!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۶۳)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٦٤﴾

من در برابر این دعوت، اجری از شما نمی طلبم، اجر من فقط بر پروردگار عالمیان
است!

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٥﴾

آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می‌روید (و همجنس بازی می‌کنید، آیا این زشت و ننگین نیست؟!)

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ
أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿١٦٦﴾

و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می کنید؟! (حقاً) شما قوم
تجاوزگری هستید!

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ

﴿۱۶۷﴾

گفتند: «ای لوط! اگر (از این سخنان) دست برنداری، به یقین از اخراج شدگان خواهی بود!»

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ﴿١٦٨﴾

گفت: «من دشمن سرسخت اعمال شما هستم!»

رَبِّ نَجِيِّ وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٩﴾

پروردگارا! من و خاندانم را از آنچه اینها انجام می دهند رهایی بخش!

فَنَجِّينَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٠﴾

ما او و تمامی خاندانش را نجات دادیم،

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٧١﴾

جز پیرزنی که در میان بازماندگان بود!

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخِرِينَ ﴿١٧٢﴾

سپس دیگران را هلاک کردیم!

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذِرِينَ ﴿١٧٣﴾

و بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم؛ چه باران بدی بود باران اندازندگان!

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

(۱۷۴)

در این (ماجرای قوم لوط و سرنوشت شوم آنها) آیتی است؛ اما بیشترشان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است!

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧٦﴾

اصحاب ایکه [شهری نزدیک مدین] رسولان (خدا) را تکذیب کردند،

إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾

هنگامی که شعیب به آنها گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٨﴾

مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم!

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۷۹)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ

الْعَالَمِينَ ﴿١٨٠﴾

من در برابر این دعوت، پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است!

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾

حق پیمانہ را ادا کنید (و کم فروشی نکنید)، و دیگران را به خسارت نیفکنید!

وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿١٨٢﴾

و با ترازوی صحیح وزن کنید!

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ

مُفْسِدِينَ ﴿١١٣﴾

و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین تلاش برای فساد نکنید!

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْحَبِيلَةَ الْأُولَىٰ ﴿١٨٤﴾

و از (نافرمانی) کسی که شما و اقوام پیشین را آفرید پرهیزید!

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٨٥﴾

آنها گفتند: «تو فقط از افسون شدگانی!»

وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نُنْظِقُكَ لَمِنَ
الْكَاذِبِينَ ﴿١٨٦﴾

تو بشری همچون مائی، تنها گمانی که درباره تو داریم این است که از دروغگویانی!

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن كُنتَ مِن

الصَّادِقِينَ ﴿١٨٧﴾

اگر راست می گویی، سنگهایی از آسمان بر سر ما بباران!

قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾

(شعیب) گفت: «پروردگار من به اعمالی که شما انجام می دهید داناتر است!»

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ

عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾

سرانجام او را تکذیب کردند، و عذاب روز سایبان (سایبانی از ابر صاعقه خیز) آنها را فراگرفت؛ یقیناً آن عذاب روز بزرگی بود!

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾

در این ماجرا، آیت و نشانه‌ای است؛ ولی بیشتر آنها مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾

و پروردگار تو عزیز و رحیم است!

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾

مسئلاً این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است!

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾

روح الامين آن را نازل کرده است...

عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾

بر قلب (پاک) تو، تا از اندازندگان باشی!

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿١٩٥﴾

آن را به زبان عربی آشکار (نازل کرد)!

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾

و توصیف آن در کتابهای پیشینیان نیز آمده است!

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي

إِسْرَائِيلَ ﴿١٩٧﴾

آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست که علمای بنی اسرائیل بخوبی از آن آگاهند؟!

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾

هرگاه ما آن را بر بعضی از عجم [غیر عرب] ها نازل می کردیم ...

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٩﴾

و او آن را برایشان می خواند، به آن ایمان نمی آورند!

كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾

(آری،) این گونه (با بیانی رسا) قرآن را در دلهای مجرمان وارد می‌کنیم!

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٢٠١﴾

(اَمَّا) به آن ايمان نـمی آورند تا عذاب دردناک را با چشم خود ببینند!

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾

ناگهان به سراغشان می آید، در حالی که توجه ندارند!

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾

و (در آن هنگام) می گویند: «آیا به ما مهلتی داده خواهد شد؟!»

أَفِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾

آیا برای عذاب ما عجله می کنند؟!

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾

به ما خبرده، اگر (باز هم) سالیانی آنها را از این زندگی بهره‌مند سازیم...

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾

سپس عذابی که به آنها وعده داده شده به سراغشان بیاید...

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَمْتَعُونَ ﴿٢٠٧﴾

این تمتع و بهره‌گیری از دنیا برای آنها سودی نخواهد داشت!

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ﴿٢٠٨﴾

ما هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه اندازکنندگانی (از پیامبران الهی) داشتند.

ذِكْرِي وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٠٩﴾

تا متذکر شوند؛ و ما هرگز ستمکار نبودیم! (که بدون اتمام حجت مجازات کنیم)

وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿٢١٠﴾

شیاطین و جنیان (هرگز) این آیات را نازل نکردند!

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتِطِيعُونَ ﴿٢١١﴾

و برای آنها سزاوار نیست؛ و قدرت ندارند!

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ﴿٢١٢﴾

آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمانها) برکنارند!

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذِّبِينَ ﴿٢١٣﴾

(ای پیامبر!) هیچ معبودی را با خداوند مخوان، که از معذبین خواهی بود!

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾

و خویشاوندان نزديکت را انداز کن!

وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾

و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر!

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢١٦﴾

اگر تو را نافرمانی کنند بگو: «من از آنچه شما انجام می دهید بیزارم!»

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾

و بر خداوند عزیز و رحیم توکل کن!

الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾

همان کسی که تو را به هنگامی که (برای عبادت) برمی خیزی می بیند؛

وَتَقَلُّبَكُ فِي السَّاجِدِينَ ﴿٢١٩﴾

و (نیز) حرکت تو را در میان سجده‌کنندگان!

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾

اوست خدای شنوا و دانا.

هَلْ أَنْبِئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ﴿٢٢١﴾

آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟!

تَنْزِيلٌ عَلَىٰ كُلِّ آفَالٍ ۖ
أَثِيمٍ ﴿٢٢٢﴾

آنها بر هر دروغگوی گنهکار نازل می گردند؛

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾

آنچه را می شنوند (به دیگران) القا می کنند؛ و بیشترشان دروغگو هستند!

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾

(پیامبر اسلام شاعر نیست؛) شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می کنند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾

آیا نمی بینی آنها در هر وادی سرگردانند؟

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾

و سخنانی می گویند که (به آنها) عمل نمی کنند؟!!

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ
 كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ
 ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می دهند و خدا را بسیار یاد
 می کنند، و به هنگامی که مورد ستم واقع می شوند به دفاع از خویشتن (و مؤمنان)
 برمی خیزند (و از شعر در این راه کمک می گیرند)؛ آنها که ستم کردند به زودی می دانند
 که بازگشتشان به کجاست!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه نمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿١﴾

طس - این آیات قرآن و کتاب مبین است،

هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾

وسیله هدایت و بشارت برای مؤمنان است؛

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ

هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٢﴾

همان کسانی که نماز را برپا می‌دارند، و زکات را ادا می‌کنند، و آنان به آخرت یقین دارند.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زِينَتًا لَّهُمْ أَعْمَالُهُمْ إِنَّ
 الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زِينَتًا لَّهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ
 يَعْمَهُونَ فَهُمْ يَعْمَهُونَ ﴿٤﴾

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال (بد) شان را برای آنان زینت می‌دهیم بطوری
 که سرگردان می‌شوند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الآخِرَةِ هُمْ
الْأَخْسَرُونَ ﴿٥﴾

آنان کسانی هستند که عذاب بد (و دردناک) برای آنهاست؛ و آنها در آخرت،
زیانکارترین مردمند!

وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿٦﴾

به یقین این قرآن از سوی حکیم و دانایی بر تو القا می شود.

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا
 بَخْبَرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِسِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾

(به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت: «من آتشی از دور دیدم؛
 (همین جا توقف کنید!) بزودی خبری از آن برای شما می آورم، یا شعله آتشی تا گرم
 شوید.»

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ
حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾

هنگامی که نزد آتش آمد، ندایی برخاست که: «مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است [فرشتگان و موسی] و منزّه است خداوندی که پروردگار جهانیان است!»

يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٩﴾

ای موسی! من خداوند عزیز و حکیمم!

وَأَلْقِي عَصَاكَ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلِي
 مُدَبِّرًا وَلَمْ يَعْقِبْ يَا مُوسَى لَأَخَفَّ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ
 الْمُرْسَلُونَ ﴿١٠﴾

و عصایت را بیفکن! - هنگامی که (موسی) به آن نگاه کرد، دید (با سرعت) همچون
 ماری به هر سو می دود (ترسید و) به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد -
 ای موسی! نترس، که رسولان در نزد من نمی ترسند!

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ

رَحِيمٌ ﴿۱۱﴾

مگر کسی که ستم کند؛ سپس بدی را به نیکی تبدیل نماید، که (توبه او را می پذیرم، و) من غفور و رحیمم!

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ
 فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا
 فَاسِقِينَ ﴿١٢﴾

و دستت را در گریبانانت داخل کن؛ هنگامی که خارج می شود، سفید و درخشانده است
 بی آنکه عیبی در آن باشد؛ این در زمره معجزات نه گانه ای است که تو با آنها بسوی
 فرعون و قومش فرستاده می شوی؛ آنان قومی فاسق و طغیانگرند!»

فَلَمَّا جَاءَهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾

و هنگامی که آیات روشنی بخش ما به سراغ آنها آمد گفتند: «این سحری است آشکار!»

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا
فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾

و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند! پس
بنگر سرانجام تبهکاران (و مفسدان) چگونه بود!

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥﴾

و ما به داوود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم؛ و آنان گفتند: «ستایش از آن خداوندی
است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید.»

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا
 مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ
 الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾

و سلیمان وارث داوود شد، و گفت: «ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده؛ این فضیلت آشکاری است.»

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ
فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾

لشکریان سلیمان، از جنّ و انس و پرندهگان، نزد او جمع شدند؛ آنقدر زیاد بودند که باید
توقف می کردند تا به هم ملحق شوند!

حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِي النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا
 النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَ
 جُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾

(آنها حرکت کردند) تا به سرزمین مورچگان رسیدند؛ مورچه‌ای گفت: «به لانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند در حالی که نمی‌فهمند!»

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ
 نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا
 تَرْضَاهُ وَأُدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾

سلیمان از سخن او تبسمی کرد و خندید و گفت: «پروردگارا! شکر نعمتهایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام کن، و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا برحمت خود در زمره بندگان صالحت وارد کن!»

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ

الْغَائِبِينَ ﴿٢٠﴾

(سلیمان) در جستجوی آن پرنده [هدهد] برآمد و گفت: « چرا هدهد را نمی بینم، یا اینکه او از غایبان است؟! »

لَا عَذَابَ لَهُ عَذَاباً شَدِيداً أَوْ لَأَذْبَحْنَهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ

مُبِينٍ ﴿٢١﴾

قطعاً او را کیفر شدیدی خواهم داد، یا او را ذبح می‌کنم، یا باید دلیل روشنی (برای
غیبتش) برای من بیاورد!

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطُّ بِمَا لَمْ يُحِطْ بِهِ وَ
 جِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾

چندان درنگ نکرد (که هدهد آمد و) گفت: «من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی؛ من از سرزمین «سبا» یک خبر قطعی برای تو آورده‌ام!

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ
لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾

من زنی را دیدم که بر آنان حکومت می‌کند، و همه چیز در اختیار دارد، و (به خصوص)
تخت عظیمی دارد!

وَجَدَّتْهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ
 زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ
 فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾

او و قومش را دیدم که برای غیر خدا - خورشید - سجده می کنند؛ و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشته؛ و از این رو هدایت نمی شوند!

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾

چرا برای خداوندی سجده نمی کنند که آنچه را در آسمانها و زمین پنهان است خارج (و آشکار) می سازد، و آنچه را پنهان می دارید یا آشکار می کنید می داند؟!

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٦﴾

خداوندی که معبودی جز او نیست، و پروردگار عرش عظیم است!

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾

(سلیمان) گفت: «ما تحقیق می‌کنیم ببینیم راست گفتی یا از دروغگویان هستی؟»

اَذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَاَلْقِهٖ اِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ
مَاذَا يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾

این نامه مرا ببرو بر آنان بیفکن؛ سپس برگرد (و در گوشه‌ای توقف کن) بین آنها چه
عکس العملی نشان می‌دهند!

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُئِيءُ أَتُنَادُونَ إِلَيَّ بِكِتَابٍ كَرِيمٍ ﴿٢٩﴾

(ملکه سبا) گفت: «ای اشراف! نامه پرارزشی به سوی من افکنده شده!

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾

این نامه از سلیمان است، و چنین می باشد: به نام خداوند بخشنده مهربان

أَلَا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾

توصیه من این است که نسبت به من برتری جویی نکنید، و بسوی من آید در حالی
که تسلیم حق هستید!»

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُؤْفِتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً
أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ ﴿٣٢﴾

(سپس) گفت: «ای اشراف (و ای بزرگان)! نظر خود را در این امر مهم به من بازگو کنید،
که من هیچ کار مهمی را بدون حضور (و مشورت) شما انجام نداده‌ام!

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَأَوْلُوا بِآبِيسَ شَدِيدِ وَالْأَمْرِ إِلَيْكَ
فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿۳۳﴾

گفتند: «ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی تصمیم نهایی با
توست؛ بین چه دستور می دهی!»

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا
 أَعْيُنَ أَهْلِهَا أُذُنًا وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾

گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباهی می‌کشند،
 و عزیزان آنجا را ذلیل می‌کنند؛ (آری) کار آنان همین‌گونه است!

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ
الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٥﴾

و من (اکنون جنگ را صلاح نمی بینم،) هدیه گرانبهائی برای آنان می فرستم تا ببینم
فرستادگان من چه خبر می آورند (و از این طریق آنها را بیازمایم)!

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُونِنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ
 خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿٣٦﴾

هنگامی که (فرستاده ملکه سبا) نزد سلیمان آمد، گفت: «می خواهید مرا با مال کمکی کنید (و فریب دهید)؟! آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده است؛ بلکه شما هستید که به هدیه هایتان خوشحال می شوید!

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَ
 لَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٣٧﴾

بسوی آنان بازگرد (و اعلام کن) با لشکریانی به سراغ آنان می آیم که قدرت مقابله با
 آن را نداشته باشند؛ و آنان را از آن (سرزمین آباد) با ذلت و خواری بیرون می رانیم!

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي

مُسْلِمِينَ ﴿٣٨﴾

(سلیمان) گفت: «ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او را برای من می آورد پیش از آنکه به حال تسلیم نزد من آیند؟»

قَالَ عَفْرِيُّ مِنَ الْجِنَّ أَنَا آتَيْكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ
 مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿٣٩﴾

عفریتی از جن گفت: «من آن را نزد تو می آورم پیش از آنکه از مجلست برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم!»

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ

(اما) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: «پیش از آنکه چشم برهم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!» و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: «این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می آورم یا کفران می کنم؟!»

فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌ

كَرِيمٌ ﴿٤٠﴾

و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می کند؛ و هر کس کفران نماید (بزیان خویش
نموده است، که) پروردگار من، غنی و کریم است!

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرًا أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ
الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٤١﴾

(سلیمان) گفت: «تخت او را برایش ناشناس سازید؛ بینم آیا متوجه می شود یا از
کسانی است که هدایت نخواهند شد؟!»

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عِرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ
 وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿٤٢﴾

هنگامی که آمد، به او گفته شد: «آیا تخت تو این گونه است؟» گفت: گویا خود آن است! و ما پیش از این هم آگاه بودیم و اسلام آورده بودیم!»

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ
مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٤٣﴾

و او را از آنچه غیر از خدا میپرستید بازداشت، که او [ملکه سبا] از قوم کافران بود.

قِيلَ لَهَا ادْخِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ
 كَشَفَتْ عَنْ سَاقِيهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ

به او گفته شد: «داخل حیاط (قصر) شو!» هنگامی که نظربه آن افکند، پنداشت نهر
 آبی است و ساق پاهای خود را برهنه کرد (تا از آب بگذرد؛ اما سلیمان) گفت: «(این آب
 نیست،) بلکه قصری است از بلور صاف!»

قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأُسَلِّمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾

(ملکه سبا) گفت: «پروردگارا! من به خود ستم کردم؛ و (اینک) با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آوردم!»

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ
فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾

ما به سوی «ثمود»، برادرشان «صالح» را فرستادیم که: خدای یگانه را پرستید! اما آنان به دو گروه تقسیم شدند که به خصامه پرداختند.

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْ
 لَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾

(صالح) گفت: «ای قوم من! چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می‌کنید (و عذاب الهی را می‌طلبید نه رحمت او را)؟! چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی‌کنید تا شاید مشمول رحمت (او) شوید؟!»

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ
 اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾

آنها گفتند: «ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتیم!» (صالح) گفت: «فال (نیک و) بد شما نزد خداست (و همه مقدرات به قدرت او تعیین می‌گردد)؛ بلکه شما گروهی هستید فریب خورده!»

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ
وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤١﴾

و در آن شهر، نه گروهی بودند که در زمین فساد می کردند و اصلاح نمی کردند.

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ

لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٤٩﴾

آنها گفتند: «بیایید قسم یاد کنید به خدا که بر او [صالح] و خانواده اش شبیخون می زنیم (و آنها را به قتل می‌رسانیم؛) سپس به ولی دم او می‌گوییم: ما هرگز از هلاکت خانواده او خبر نداشتیم و در این گفتار خود صادق هستیم!»

وَمَكْرُؤًا مَكَرًا وَمَكْرِنًا مَكَرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٠﴾

آنها نقشه مهمی کشیدند، و ما هم نقشه مهمی؛ در حالی که آنها درک نمی کردند!

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَّرْنَاهُمْ وَ
قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥١﴾

بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد، که ما آنها و قومشان همگی را نابود کردیم؛

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥٢﴾

این خانه‌های آنهاست که بخاطر ظلم و ستمشان خالی مانده؛ و در این نشانه
روشنی است برای کسانی که آگاهند!

وَأُنجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٣﴾

و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم!

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ

تُبْصِرُونَ ﴿٥٤﴾

و لوط را (به یاد آور) هنگامی که به قومش گفت: «آیا شما به سراغ کار بسیار زشتی می روید در حالی که (نتایج شوم آن را) می بینید؟!»

أَإِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ
أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿۵۵﴾

آیا شما بجای زنان، از روی شهوت به سراغ مردان می روید؟! شما قومی نادانید!

صدق الله العلي العظيم